



براساس
محاسبات این
شاخص در
سال ۲۰۱۹، ژاپن
بالاترین پیچیدگی
اقتصادی را داشته
و نشان داده
که چندان نیز
به تئوری مزیت
نسبی برای تمرکز
بیشتر بر صید و
ماهگیری و رها
کردن سایر صنایع
و فناوری‌ها
اعتقاد نداشته
است

قرار گرفت. هم اکنون این اطلس از طریق وبگاه دانشگاه هاروارد قابل دسترسی است.

پیچیدگی اقتصادی و نماگرهای تشکیل دهنده آن نشان می‌دهند که «مزیت رقابتی» یک کشور در تولید محصولات مختلف چگونه است. به طور خلاصه اگر صادرات محصول خاصی (که براساس کدهای کالا طبقه‌بندی شده‌اند) نسبت به واردات آن توسط کشوری بچربد (البته با لحاظ برخی پیچیدگی‌های فنی و محاسباتی)، آن کالا جز مزیت‌های رقابتی آن کشور محسوب می‌شود. از طرفی براساس محاسبات خاصی که بر پایه فراگیری و تنوع محصولات انجام می‌شود، پیچیدگی فناورانه هر کد محصول مشخص می‌گردد. به این ترتیب در نهایت می‌توان اقتصاد

جدید، به کشوری با درآمد اقتصادی بالا تبدیل شدند. به نظر هاجون چنگ اقتصاددان کره‌ای در عصر حاضر، ارائه و ترویج ایده‌هایی مانند آزادسازی تجارت و مزیت نسبی، محصول کشورهایی بوده که تلاش می‌کردند با تئوری‌های به ظاهر مقبول، دیگر کشورهای عقب‌افتاده صنعتی را از ورود به عصر صنعت و فناوری منع کنند. او نام این روش را «انداختن نردبان» می‌داند. به این معنی که خود این کشورها با استفاده از حمایت‌های تجاری و تعرفه‌ای از صنایع خود به مزیت‌های رقابتی در تولید محصولات و خدمات دست یافتند و پس از آنکه از پله‌های بالایی نردبان توسعه صنعتی به سلامتی عبور کردند، این نردبان را با ترویج منطق اقتصاددانان شهیر جریان لیبرال به روی زمین هل دادند.

یکی از اتفاقاتی که در دهه اخیر بر لزوم خودکفایی و توانمندی کشورها در حوزه‌های متنوع و پیچیده صنعتی و خدماتی صحه گذاشته است، تعریف شاخص ترکیبی با عنوان «پیچیدگی اقتصادی» توسط گروهی از محققان دانشگاه‌های هاروارد و ام‌آی‌تی در سال ۲۰۰۷ بوده است. این روش دارای برتری چشمگیری نسبت به روش‌های دیگر در توصیف دلایل اختلاف رشد اقتصادی کشورهای مختلف از منظر دانش و مهارت است. از این‌رو اطلس پیچیدگی اقتصادی جهان برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و مورد استقبال نیز